

درسنامه درس چهارم ادبیات فارسی پایه هشتم: سفر شکفتن

متن : اگر در پاسخ دور می کند.

دانش ادبی : « ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است .» یک مثل است و دانش ادبی ارسال المثل ایجاد شده است و کنایه است از اینکه برای جبران هر کاری دیر نیست / می گویند : «هی ...» نقل قول می کند که همان دانش ادبی تضمین است

متن : مبادا گذر داشتیم که...

دانش ادبی : پانزده یا بیست (مراعات نظیر) ای کاش (صوت) شبه جمله / مبادا (شبه جمله است که منفی شده (باد) می باشد) /

متن : به پانزده یا بیست... می اندیشید.

قدرت (نیرو) / خیال (فکر و اندیشه) / تصویر (عکس) / رویایی (خیال ، چیزی که آرمان است و می خواهیم به آن برسیم) در آمد (بهره و دستمزد) / نصیب (بهره) احترام (حرمت) اعتباری (ارزش)

دانش ادبی : پانزده یا بیست یا حتی سی سال (مراعات نظیر) / احترام و اعتبار (مراعات نظیر) / شیرین و موفق (مراعات نظیر)

متن : در نوجوانی ... انسانیت است .

خیال (تصویر) / بی عاطفه (بدون عاطفه) بد اخلاق (از نظر اخلاقی خوب نیست) / آرمانی (چیزی که آرزو داریم) منطقی (چیزی که با عقل و فکر خود در یابیم) سرشار (پر و لبریز)

دانش ادبی : عشق و عاطفه و انسانیت (مراعات نظیر) / هرگز (قید نفی) / یک زندگی آرمانی

متن : زندگی کردن آن پیاموزیم .

پرفراز (بلندی) / نشیب (پستی) / دائمی (همیشگی) / دشواری های (سختی ها)

دانش ادبی : زندگی یک سفر است (تشبیه که زندگی مشبه و سفر مشبه به) تشبیه بلیغ / پرفراز و نشیب (تضاد)

متن : وقتی شما آراسته می سازید .

ابزار (وسایل) / مذهبی (چیزی که ریشه در عقاید و دین ما دارد) / آداب (روش ها) / خاص (بخصوص)

مهارت ها (توانمندی ها) / پر مشقت (دشوار و سختی) / توانایی (توانمندی ها) / استعدادها (توانایی های درونی / موثر (اثر گذار) / سنجیده (حساب شده) تدبیر (چاره اندیشی کردن) / موقعیت ها (وضعیت ها)

دانش ادبی : سفر زندگی هم (تشبیه که زندگی به سفر تشبیه شده است) تشبیه بلیغ

متن : چیرگی بر احساسات..... شکوفایی کنیم .

چیرگی (غلبه کردن و پیروز شدن) / مهار (رام کردن) / نفرت (بد آمدن) / تفکر (فکر کردن) / خلاق (نو آوری) / مهارت (توانمندی) / رویارویی (مواجه شدن) / توکل (تکیه کردن) / تلاش (کوشش کردن) / دست یابیم (دست پیدا کنیم) / سر شار (پر و لبریز) / شادابی (تراوت) / شکوفایی (کشف کردن استعداد ها و پرورش آنها)

دانش ادبی : عشق و خشم و نفرت و ترس و حتی شادی (مراعات النظیر) / طراوت و شادابی و شکوفایی (مراعات نظیر)

خود ارزیابی (صفحه ۳۹ کتاب درسی)

- ۱- چرا زندگی به یک سفر تشبیه شده است؟ چون زندگی هم مانند سفر پر فراز و نشیب است گاهی آرام و گاهی طوفانی و دشوار، برای عده‌ای کوتاه مدت و برای عده‌ای دیگر طولانی‌تر است.
- ۲- علت اصلی بحران‌های زندگی چیست؟ آشنا نبودن افراد با مهارت‌های زندگی، عدم کسب مهارت در مسائل مختلف.
- ۳- برای حل مشکل کم‌رویی یا گستاخی، چه باید کرد؟ برعواطف و هیجانات خود غلبه کرد و ارتباط درست و موثر و سنجیده‌ای با دیگران برقرار کرد.
- ۴- مهارت‌ها چه تأثیری در زندگی ما دارند؟ کسب مهارت‌ها و تفکر خلاق در کشف و نوآوری، در جست‌وجوی راه حل‌های جدید برای رویارویی با مشکلات زندگی به ما کمک می‌کند.



یادآوری اجزای جمله و معرفی اسم



گروه آموزشی عصر

سال گذشته آموختید که برای انتقال پیام به شنونده یا خواننده از «جمله» استفاده می‌کنیم. آن بخش از جمله که دربارهٔ انجام عمل، رویداد یا ایجاد حالت، اطلاعاتی به ما می‌دهد، «**فعل**» جمله است. فعل، اصلی‌ترین بخش جمله و محور معنایی آن است. معنی هر فعل، تعیین می‌کند که چند بخش دیگر باید در جمله ظاهر شوند. برخی از فعل‌ها مانند «رفت» تنها با گرفتن نهاد کامل می‌شوند؛ بعضی دیگر مانند فعل «خواند»، علاوه بر نهاد، به مفعول هم نیاز دارند تا جملهٔ کاملی را تشکیل دهند؛ گروهی دیگر از فعل‌ها مانند «خرید» علاوه بر نهاد و مفعول، متمم هم می‌گیرند تا معنی کامل تری را به شنونده، انتقال دهند.

فعل	اسم				
	متّم		مفعول		نهاد
رفت.	—	—	—	—	فرهاد
خواند.	—	—	را	داستان	نرگس
خرید.	فروشنده	از	را	کتاب	مینا

در جدول بالا به واژه‌هایی که در ستون نهاد، مفعول و متّم آمده‌اند، توجه کنید. واژه‌هایی مانند «فرهاد، نرگس، مینا، داستان، کتاب و فروشنده» برای نامیدن کسی یا چیزی به کار می‌روند و «اسم» هستند. اسم می‌تواند در جایگاه نهاد، مفعول و یا متّم قرار گیرد و به ترتیب نقش نهادی، مفعولی و متّمی پیدا کند. با نگاه دقیق‌تر به اجزای جمله، می‌توان نتیجه گرفت که اجزای اصلی تشکیل دهنده جمله، فعل و اسم هستند. فعل، فقط در جایگاه فعلی قرار می‌گیرد؛ اما اسم در دیگر بخش‌های جمله می‌آید و نقش‌های مختلفی را می‌پذیرد.

گفت‌وگو (صفحه ۴۱ کتاب درسی)

۱- روایت «من عَزَفَ نَفْسَهُ، فَقَدَ عَزَفَ رَبَّهُ: هرکس خود را بشناسد، خدای خویش را شناخته است» با کدام مهارت زندگی ارتباط دارد؟ خود آگاهی، شناخت توانایی‌ها،

نیازها، استعدادها و ضعف‌های خود

۲- برای دوست‌یابی و حفظ دوستان خوب، به چه مهارت‌هایی نیاز داریم؟ ۱- ارتباط مؤثر، درست و سنجیده ۲- چیرگی بر احساسات و هیجانات و مهار آنها

www.my-dars.ir

اعداد، در متن املا همیشه با حروف نوشته می‌شوند؛ نظیر «هفت آسمان»، «چهارده

معصوم»، «بیست» و ...

فعالیت‌های نوشتاری (صفحه ۴۱ کتاب درسی)

۱- شکل درست کلمه‌های زیر را بنویسید.

«استعدادها و ضعفها، محارث‌های لازم، بهره و نسیب، احساسات و هیجانات، نظیر و مانند»

«استعدادها و ضعفها، مهارت‌های لازم، بهره و نسیب، احساسات و هیجانات، نظیر و مانند»

۲- بخش‌های هریک از جمله‌های زیر را در جدول قرار دهید؛ سپس اسم‌ها را جداگانه در یک سطر بنویسید.

* ندا آمد.

* حسین سیب خورد.

* علی روزنامه را به دوستش داد.

نهاد	مفعول	متمم	فعل
ندا	-	-	آمد
حسین	سیب	-	خورد
علی	روزنامه	دوستش	داد

تعداد جملات

شعرخوانی شوق مهدی (عج)

- کفتم که روی خوبت، از من پراهنان است / کفتا: تو خود جابی / ورنه زخم عیان است / ۵
- کفتم که از که پرسم / جانا نشان کویت؟ / کفتا: نشان چه پرسی / آن کوی، بی نشان است! / ۶
- کفتم: مرا غم تو، خوش تر ز شادمانی / کفتا: که در ره ما، غم نیز شادمان است / ۴
- کفتم که سوخت جانم، از آتش نهانم / کفت: آن که سوخت / اورا کی ناله، یا فغان است! / ۵
- کفتم: ز «فیض» پذیر / این نیم جان که دارد / کفتا: نگاه دارش، غم خانه تو جان است / ۶

فیض کاشانی

گفتم که روی خوبت، از من چرا نهان است؟ گفتا: تو خود حجابی، ورنه رُخم عیان است!

معنی بیت اول : گفتم (ای امام) چرا روی زیبای تو از دیده ی من پنهان است؟ او گفت موجود (دل بستگی تو به دنیا) همانند حجابی است که مانع دیدن می شود و گرنه چهره ی من آشکار است.

دانش ادبی : نهان و عیان (قافیه) / است و است (ردیف) / نهان و عیان (تضاد) / واج ارایبی (حرف ت ن ر)

دانش زبانی : بیت دارای پنج جمله است (گفتم) (پنهان است) (گفتا) (هستی که حذف است) (عیان است) / از من (حرف اضافه و متمم) (نهان و پنهان) (مسند) (ورنه) (واگرنه)

گفتم که از که پرسم، جانا نشان کویت؟ گفتا: نشان چه پرسی؟ آن کوی، بی نشان است!

معنی بیت دوم : گفتم (ای امام) عزیز تر از جان نشانی محل اقامت تو را از چه کسی پرسم؟ گفت : بیهوده به دنبال نشانی هستی ؛ زیرا آن مکان نشان ندارد

دانش ادبی : نشان چه پرسی ؟ (پرسش انکاری) / نشان و بی نشان (تضاد) / جانا (منادا) حرف ندا حذف شده است / واج ارایبی (حرف ن)

دانش زبانی : که (ضمیر پرسشی) / بیت شش جمله است (گفتم) (پرسم) (جانا) (گفتا) (پرسی) (است)

گفتم: مرا غم تو، خوش تر از شادمانی گفتا که در ره ما، غم نیز شادمان است!

معنی بیت سوم : گفتم (ای امام) برای من غم عشقت از شادمانی دوست داشتنی تر است گفت : در راه پیروی از ائمه غم نیز همانند شادی است .

دانش ادبی : غم شادمان است (تشخیص) / غم و شادی در مصرع اول (تضاد) که با هم فاصله دارد / غم و شادمان در مصرع دوم (تضاد و متناقض نما یا دانش ادبی پارادوکس) / واج ارایبی (حرف ت و م)

دانش زبانی : مرا (من را) را حرف اضافه است و من متمم / غم تو (ترکیب اضافی) حضور تو / شادمان (مسند) / است در مصرع اول حذف شده است به قرینه لفظی و شادمانی در مصرع مسند است

گفتم که سوخت جانم، از آتش نهانم گفت: آن که سوخت، او را کی ناله، یا فغان است؟

معنی بیت چهارم : گفتم (ای امام) جان من از آتش اشتیاق دیدار تو سوخت . گفت : کسی که (واقعا سوخته عشق ما باشد) ناله و اندوهی ندارد .

دانش ادبی : مصرع دوم (استفهام انکاری) / واج ارایبی (حرف ت و ن)

دانش زبانی : بیت هفت جمله است (گفتم) (سوخت) (نهانم است) (گفت) (سوخت) (است) (که محذوف است) (است) در پایان بیت / فغان (ناله) و مسند /

گفتم: ز « فیض » پذیر، این نیم جان که دارد گفتا: نگاه دارش، غم خانه تو جان است!

معنی بیت پنجم : گفتم (ای امام) این نیم جان (ناقابل و بی ارزش) را از فیض قبول کن . گفت: جان خود را نگه دار زیرا که جان تو خانه عشق (غم) امام است .

دانش ادبی : تخلص شاعر در بیت آخر آمده که نام خودش را بیان کرده (فیض)

دانش زبانی : نگاه دارش (ش) ضمیر متصل که به جان بر می گردد / غم خانه (ترکیب وصفی مغلوب) خانه ی غم /

(ز) مخفف (از)

ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ ق)



محمد بن شاه مرتضی بن شاه محمود ملقب به محسن معروف به ملا محسن و فیض یا فیض کاشانی عالم عامل، فاضل، عارف و از بزرگترین علمای اسلام در قرن یازدهم هجری است. این فقیه، محدث، مفسر محقق، حکیم، متکلم، ادیب، شاعر توانا، علاوه بر مراتب علمیه در "مکارم اخلاق" یگانه بود و مقام او مورد تصدیق موافقین و مخالفین بوده است. تألیفات گوناگون این شخصیت بزرگوار نشانه تبحر، فضل، کمال، ذکاوت، حسن سلیقه و اطلاعات جامع وی است. محسن کاشانی علوم شرعی را از "سید ماجد صادقی" و علوم عقلی را از فیلسوف بزرگ اسلامی "ملا صدرا شیرازی" کسب کرد. ملا محمد محسن کاشانی پس از مدتی به دامادی ملا صدرا رسید و عنوان "فیض" را برگزید. ملا محسن فیض کاشانی در سرودن اشعار نغز و شیوا نیز بسیار توانا بود و در این عرصه آثار گرانقدری از خود به جای گذاشته است.

تألیفات ملا محسن فیض کاشانی:

تألیفات او را تا ۲۰۰ اثر ذکر کرده‌اند که از مهمترین آن می‌توان به تفسیر "صافی"، "نوادر الاخبار"، "الوافی"، "الانوار" و "الاسرار" و کتاب "علم‌الیقین" اشاره کرد.

آرامگاه ملا محسن فیض کاشانی



شاگردان ملا محمد محسن کاشانی:

ملا محمد باقر مجلسی (صاحب کتاب بحار الانوار)، سید نعمت‌الله جزایری، قاضی سعید قمی، ملا محمد صادق و ... و نیز ده‌ها عالم و فاضل از جمله شاگردان فیض کاشانی هستند.

ملا محسن فیض کاشانی در سال ۱۰۹۱ ه ق در ۸۴ سالگی در کاشان بدرود حیات

گفته و در همان شهر در محلی که بعدها به نام "قبرستان فیض" معروف گشت، به خاک سپرده شد.